



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۵۴ و تلفن: ۸۸۹۳۲۷۰ و ۵۴ • نامبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • تلفن: ۴۴۵۲۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

سه شنبه ۲۰ دی ۱۴۰۱ • ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ • ۱۰ زائویه ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۴۶۸ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۲ • اذان مغرب ۱۷:۲۹ • اذان صبح فردا ۵:۴۶ • طلوع آفتاب ۷:۱۴

شترت

دیالوگ روز

ایکس‌من - برابان سینگر- ۲۰۰۰

مگنیتو (یان مک کلان): انسان‌ها همیشه از آنچه نمی‌فهمند می‌ترسند!

صلح هیچ وقت یک گزینه نبود، چیزی که هیچ‌کدام از شما هرگز درک نمی‌کنید، این است که هیچ طرفی وجود ندارد!

خاطر‌ه‌خوانی

یادی از مهران قاسمی



۱۵ سال از رفتن «مهران قاسمی» می‌گذرد. روزنامه‌نگاری که در حوزه بین‌الملل با تسلط کامل بر زبان و سیاست، مطالب متفاوتی را برمی‌گزید و برای خواننده‌ها جنبه دیگری از سیاست و اتفاقات مهم جهان را ارائه می‌داد. او در عصر ۱۵ دی به دلیل عارضه قلبی در خانه‌اش درگذشت، در حالی که تنها ۳۰ سال داشت. دو هفته قبل‌تر از آن درست جلوی محل کارش، روزنامه اعتماد ملی، در خیابان کریمخان در یک سانحه تصادف دچار شکستگی پا شده بود. وقتی خبر فوت او منتشر شد، بلافاصله دوستان و همکارانش در خانه او جمع شدند. او که سال‌ها در مطبوعات اصلاح‌طلب حضور داشت و فعالیت می‌کرد، دوستان زیادی داشت که بسیاری از رفتن ناگهانی او غمگین شدند. محمد چوپانی، علی دهقان، سرکه بارسقیان، علی اصغر سیدآبادی، محمدجواد حق‌شناس، بهمن احمدی، رضا جخسته‌رحیمی در کنار رضا تاجیک، آرش حسن‌نیا، مهدی افشارزینک و تقریباً همه خبرنگاران روزنامه «اعتماد ملی» دیده می‌شدند؛ با سمرش پایین و چشمانی گریان با همسرش «سارا معصومی» تسلیت می‌گفتند. یکی از همکارانش برایش نوشت: «بین‌الملل‌نویس‌های ما امروز یکی از فعال‌ترین و بیکی‌ترتین یاران خود را از دست دادند. رحمت خدا بر آن یار متواضع که ممارست و پشتکار را با حسن خلق و مهر و تواضع در هم آمیخته بود و کمک فکری به همکاران از برسته‌ترین خصائل او بود. خصلتی که او را در بین ما به روزنامه‌نگاری فهیم، مهربان و دوست‌داشتنی تبدیل کرده بود و مهر مهران را بر دل‌ها افکنده بود و صبر و شکیبایی همراه همسر و خانواده عزادارش باد که در این غم، خیل روزنامه‌نگاران با آنانند…»
امیر صدری نیز در آن روزها برایش نوشته بود: «در همه این سال‌ها خاطراتی از او در ذهنم شکل گرفته که در همگی آنها ردپایی از خوش‌خلقی و برخورد‌های خوب او هست. در همه این برخوردها، گپ‌ها کوتاه بود، اما روحیه خوب او همه این برخوردها را دوستانه و صمیمی می‌کرد. یعنی همیشه فکر می‌کردی که مهران در جمع دوستان تو است و تو در جمع دوستان او. حالا که فکر می‌کنم، می‌بینم او توجلی کامل واژه «مردم‌دار» بود. حیف. از لحاظ کاری هم مهران برای خودش پدیده‌ای بود، مترجم‌های زیادی را در این سال‌ها در روزنامه‌های مختلف دیدهام اما فکر می‌کنم سرعت مهران از همه آنها بیشتر بود. یک بار او را که دیدم به شوخی گفتم: تو مثل آدمیوه‌گیری شدی، از یک طرف کتاب «هری پاتر» را می‌بلعی و از طرف دیگر ترجمه‌شده بیرون می‌دهی! در آن روز فقط خندیدم، می‌دانست که شوخی می‌کنم و حرف‌هایم نیش و کنایه نیست. حالا که به او فکر می‌کنم، دلم می‌گیرد، حسایی، او خیلی زود، خیلی خیلی زود رفت، چرا!».
یاد و نام «مهران قاسمی» هنوز بین دوستان و همکارانش ماندگار است و امسال نیز جمع زیادی از او یاد کرده و عکس‌هایی از او را منتشر کردند.

یادداشت

شما هم گزارش بدهید

حبیب احسنی پور

رئیس‌جمهور از مدیران دستگاه‌های دولتی خواسته در کنار ارائه گزارش‌های امیدبخش، درباره آن دسته از اقدامات که به دلایل مختلف به سرانجام نرسیده است، به مررد گزارش بدهند.
حدود ۱۸ ماه از روی کار آمدن دولت سیزدهم می‌گذرد و در این مدت، هر آنچه مردم دیده‌اند، سیر صعودی قیمت‌ها، افزایش نرخ تورم، گرانی و… بوده است. درحالی‌که آقای رئیسی وقتی رئیس‌جمهور شد، به مردم این وعده را داد که در ۵۰ روز آینده شاهد تغییرات محسوس در جامعه خواهند بود. شاید چنین وعده‌ای از یک جنبه قابل استناد باشد و آن هم می‌تواند وعده دوپهلوی رئیسی باشد. او گفت شاهد تغییرات محسوس خواهید بود؛ اما به نظر می‌رسد چنین منفي تغییرات نصیب مردم شده است. هر آنچه در این مدت که از عمر دولت سیزدهم می‌گذرد، دیده‌ایم، سخت‌ترشدن زندگی مردم بوده است. اگر نخواهیم به بیرهاه برویم و خودمان را گول نزنیم، خیلی راحت می‌توان قیمت کالا‌های اساسی در فاصله شروع به کار دولت تا امروز را مورد ارزیابی قرار داد. کدام کالا در این مدت کاهش قیمت داشته است که بتوان از آن دفاع کرد. به نظر می‌رسد در این یک سال و اندی از شروع به کار دولت سیزدهم، هر آنچه اتفاق افتاده در راستای بهبود اوضاع مردم نبوده و حالا، آقای رئیسی باید به عنوان رئیس دولت، گزارش بدهد که چرا نوانسته سفره مردم را رونق ببخشد. درحالی‌که ادعای او و تیم همراهش این بود که نباید مشکلات را به تحریم‌ها گره زد. اگر دولت سیزدهم مشکلات مردم را به تحریم‌ها گره نزده، پس چرا در زندگی مردم گره افتاده و نمی‌توان آن را با دندنان هم باز کرد. آقای رئیسی! شما در اولویت برای ارائه گزارش به مردم هستید که چرا جامعه به سمت فلاکت رفته و دیگر شرایط برای یک زندگی حداقلی هم فراهم نیست. اگر نمی‌خواهید همه تقصیر‌ها را به گردن دولت قبل بیندازید، لطفاً به مردم بگویید چرا وعده‌های شما به سرانجام نرسیده است. درحالی‌که ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کار بودند که شما رئیس‌جمهور شوید!

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۵۴ و تلفن: ۸۸۹۳۲۷۰ و ۵۴ • نامبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • تلفن: ۴۴۵۲۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

سه شنبه ۲۰ دی ۱۴۰۱ • ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ • ۱۰ زائویه ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۴۶۸ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۲ • اذان مغرب ۱۷:۲۹ • اذان صبح فردا ۵:۴۶ • طلوع آفتاب ۷:۱۴

علیه درافتادن با جبر فناوری



قادر باستانی*

مردم از دست کسی که اینترنت را به این وضع آزادهنده و کلافه‌کننده انداخته، دلخوردند و حق هم دارند. مگر می‌شود زندگی روزمره مردم را این‌چنین دچار دلهره و اضطراب کرد؟ رفیقی می‌گفت وقتی فایلی را نمی‌توانم برای مشتری بفرستم یا وی‌پی‌ان از کار می‌افتد، می‌خواهم سرم را به دیوار بگویم. ناراضی‌ام از اینترنت به وفادارترین هواداران دولت هم رسیده و مشکل اینجاست که کسی نیازی نمی‌بیند برای مردم توضیح دهد که چرا وضعیت چنین شده و قرار است چه اتفاقی بیفتد.

دوستی تحلیل می‌کرد تصمیم به محدودسازی اینترنت از سر آگاهی است و ادامه خواهد داشت و مردم هم یواش‌یواش عادت می‌کنند. علت آن هم این است که بعد از مرگ مهسا و اعتراضات گسترده و ناگهانی، متوجه شدند شبکه‌های اجتماعی، نقش اصلی را در شعله‌ورشدن آتش ناآرامی‌ها دارند و مردم را عصبانی می‌کنند و عده‌ای را به کف خیابان می‌کشانند؛ ازاین‌رو تصمیم قطعی، محدودیت شبکه‌های اجتماعی است. متولیان امر فکر می‌کنند ناراضی‌ت مردم از محدودیت اینترنت مقطعی است و بعد از مدتی برایشان عادی می‌شود. اما امنیت کشور و پیشگیری از اغتشاش ارجحیت دارد.

دراین‌باره شش نکته شایان طرح است؛ نکته اول، آیا هزینه فایده محدودسازی اینترنت به درستی سنجیده شده است؟ ناراضی‌ت بزرگی که همین محدودیت‌ها در مردم پدید آورده، کسب‌وکارهای مردم را دچار مشکل کرده، جوانان را به مرز استیصال رسانده و نیرو‌های وفادار و پشتیبان را، مسئولانه دار کرده. هزینه‌های کمی نیست. قطع نت برای جوانان و نوجوانان حکم

شبکه‌خوانی

شباهت‌های ماسک و عمرالبشر

خالد ایلایج، کاریکاتوربست سیاسی، درباره رفتارهای مستبدانه ایلان ماسک در این دو ماه که شبکه اجتماعی توئیتر را خریداری کرده، یادداشتی نوشته که هم‌زمان در خیرگزاری الجزیره و روزنامه یواس‌ای تودی منتشر شده است. بخش‌هایی از آن در ادامه می‌آید.

من هم مثل میلیون‌ها نفر در سراسر جهان، افتضاحت‌ها را که در توئیتر- از زمانی که ایلان ماسک کنترل این شرکت را در دست گرفته- به وجود آمده است، از نزدیک دنبال کرده‌ام. من نه‌تنها از اینکه این فضای دسترسی به اطلاعات و بحث آزاد از دست برود، می‌ترسم -که این ترس را شهروندان کشورهای نه‌چندان آزاد خوب درک می‌کنند- بلکه به‌عنوان یک کاریکاتوربست سیاسی ترس مضاعفی هم دارم که نکند پلتفرمی را که به همراه بسیاری از همکاران فعالیت‌های‌مان را در جریان بهار عربی از آن آغاز کردیم، از دست بدهیم. ماسک کنترل از خیلی قبل‌تر از انعقاد قرارداد خرید توئیتر- در ماه می- با توییت‌کردن نقاشی «یادشاه خورشید» لوئی چهاردهم اهداف سیاسی خود برای تصاحب این پلتفرم را به‌وضوح بیان کرد. او که خود را «تجسم مطلق آزادی بیان» می‌خواند، خود را به‌عنوان پادشاه روشنفکر جدید رسانه‌های اجتماعی معرفی و اعلام کرد که توئیتر را «آزاد» خواهد کرد.

تماشای کنش‌ها و واکنش‌های دو ماه گذشته، او شبیه یک دیکتاتور کوچک امروزی است که دارد یک رژیم در حال فروپاشی را مدیریت می‌کند. در واقع او نیز مانند غاصبان بلندپرواز قدرت، تسلط خود بر توئیتر را با صحبت از «دموکراسی» و «آزاده مردم» آغاز کرد. اما در ادامه این واژه‌ها را به سخره گرفت. او به‌سرعت آنچه را که در ابتدا «میدان دیجیتالی» می‌نامید، تبدیل به حیاط خلوت شخصی حوزه حکمرانی خودش کرد. ماسک نیز درست مثل یک دیکتاتور کلاسیک کمترین تحملی از خود در برابر مخالفت و انتقاد نشان نداده است. گفته می‌شود او شماری از کارمندان توئیتر را به دلیل اینکه جرئت کرده‌اند -چه در شرکت و چه در رسانه‌های اجتماعی- با تصمیماتش مخالفت کنند، اخراج کرده است.

او همچنین مثل یک اقتدارگرای استاندارد از مطبوعات منتفر است و ایابی از سانسور رسانه‌ها ندارد (با این حال خودش را مدافع آزادی بیان معرفی می‌کند). او در اواسط ماه



♦ جزیره کیش در این روزها که بیشتر مناطق کشور هوای سرد و زمستانی را تجربه می‌کنند با هوای گرم و مطبوع به مقصد جذابی برای گردشگران بدل شده است
عکس: مارال شیرین خواه، باشگاه خبرنگاران جوان

گزارش‌خوانی

هر چه فقیرتر، فرزند بیشتر

خبرگزاری ایسنا بر مبنای آمار ارائه‌شده درباره کاهش چهاردرصدی تعداد فرزندان در ۹ماه گذشته این سؤال را مطرح کرده است که چرا پولدارها کمتر بچه‌دار می‌شوند؟

۲ هزار نوزاد بیشتر

تعداد ولادت‌های ثبت‌شده در ۹ماهه نخست امسال ۳۳هزارو ۸۴۶ مورد کمتر از مدت مشابه در سال گذشته است. به بیانی دیگر در ۹ماهه امسال ۸۱۰هزارو ۸۷۷ مورد ولادت و در مدت مشابه سال قبل ۸۴۴هزارو ۷۲۲ مورد ولادت به ثبت رسیده است. از سوی دیگر تعداد ولادت‌های ثبت‌شده در سال‌های ۹۶ تا ۹۹ در قیاس با آمار سال قبل از خود نیز نشان می‌دهد همواره فرزندآوری با کاهش دو، شش، هشت و در برخی بازه‌ها ۱۲درصدی مواجه بوده است.

با این حال گرچه سیر ولادت از سال ۹۵ تا ۹۹ همواره نزولی بوده، اما در سال ۱۴۰۰ حدود ۰.۱۹ درصد رشد نسبت به سال قبل خود داشته است. در واقع سال گذشته دوهزارو ۸۳ ولادت بیشتر از سال ۹۹ به ثبت رسید؛ اما طبق آمار، روند نزولی فرزندآوری در ۹ماهه نخست سال جاری در قیاس با مدت مشابه خود در سال قبل عیان است.

مشوق‌ها

«پرداخت وام ازدواج ۱۵۰ میلیون تومانی به دختران کمتر از ۲۳ سال و پسران کمتر از ۲۵ سال و وام ازدواج ۱۲۰ میلیون تومانی به سایر زوجین»، «ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه برای تولد فرزند اول تا پنجم و بالاتر به ترتیب به ازای فرزند اول ۲۰ میلیون تومان، فرزند دوم ۴۰ میلیون تومان، فرزند سوم ۶۰ میلیون تومان، فرزند چهارم ۸۰ میلیون تومان و به ازای فرزند پنجم به بعد صد میلیون تومان»، «فروش بدون نوبت و بدون قرعه‌کشی خودروی ایرانی به قیمت کارخانه پس از تولد فرزند دوم به بعد و از زمان ابلاغ این قانون برای مادران»، «کاهش سن بازنشستگی مادر به مدت یک سال به ازای تولد هر فرزند و از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون»، «تحت پوشش بیمه فراگرگفتن همه زوجین ناباور» و «افزایش ده درصدی امتیاز در جذب و استخدام به ازای تاهل و نیز هر فرزند» از جمله مهم‌ترین مشوق‌های در نظر گرفته‌شده در قانون مذکور برای خانواده‌هایی است که از سال ۱۴۰۰ به بعد اقدام به فرزندآوری کنند.

چرا پولدارها بچه‌دار نمی‌شوند؟

دکتر محمدمهدی لیبی، استاد دانشگاه و پژوهشگر حوزه علوم اجتماعی، درباره روند نبود علاقه به فرزندآوری به‌ویژه در بین افراد دارا و ثروتمند توضیحاتی ارائه داد. این استاد دانشگاه توضیح داد: «مسئله مهم آن است که شیب این سقوط فرزندآوری در جامعه ایران بسیار تند بوده است؛ چراکه با وجود اینکه این سقوط در دیگر کشورهای جهان در ۵۰ سال اتفاق افتاد، اما در کشور ما در مدت ۱۰سال رخ داد. وقتی این چرخش فرهنگی رخ داد، شاهد خانواده‌های ثروتمندی در جامعه بودیم که گرچه مشکل مالی نداشتند، اما به داشتن یک یا دو فرزند اکتفا می‌کردند؛ برعکس خانواده‌های پرجمعیتی در افشار فرودست جامعه دیده می‌شوند که حتی در شرایطی که خانواده مشکل آب و نان دارد و نمی‌تواند معاش را تأمین کند، تعداد فرزندانش بالااست. البته بنای ما بر این نبوده؛ بنای‌مان بر این بود افرادی در جامعه فرزندان بیشتری داشته باشند که توانایی تربیت فرزند و تأمین او را داشته باشند. قرار بود خانواده‌ها نسل سالم، کارآمد، مفید و ارزشمندی را در جامعه تربیت کنند، نه اینکه فقط تعدادی فرزند بی‌مهارت داشته باشند که هیچ آموزشی ندیده‌اند و نمی‌توانند در توسعه و پیشرفت کشور نقش داشته باشند. این جابه‌جایی فرهنگی مشکلات یادشده را در جامعه ما ایجاد کرده که آثارش تاکنون در جامعه باقی است. این استاد دانشگاه با بیان اینکه آمارهای مرکز آمار و پژوهش‌های دانشگاهی نشان می‌دهد که مشکل در بحث فرزندآوری بیشتر «فرهنگی» است، تصریح کرد: «مرفه‌ترین منطقه ایران را پیدا کنید و شاخص‌های رفاه اجتماعی آن منطقه را بسنجید. برای مثال منطقه سه تهران را که اکثریت ساکنان آن شرایط رفاهی خوبی دارند، در نظر بگیرید؛ اما اصلاً شاهد رشد سریع جمعیت و تعداد زیاد فرزند در این منطقه نیستیم. حتی خانواده‌های زیادی در این منطقه از تهران داریم که بدون فرزند هستند. از سوی دیگر اغلب خانواده‌هایی که فرزند زیادی دارند، حاشیه‌نشین هستند؛ بنابراین توجه به همین امر، نظریه تک‌عامل‌بودن «اقتصادی» در امر فرزندآوری را رد می‌کند.»

کسی حق تعیین تعداد فرزند را ندارد

این پژوهشگر حوزه علوم اجتماعی با بیان اینکه درحال حاضر به نقطه‌ای رسیدیم که دیدگاه‌ها و باورهای فرهنگی گذشته خود نظیر ضروری‌بودن، پراهمیت و افتخارآفرین بودن داشتن فرزند برای خانواده را از دست داده‌ایم، تصریح کرد: «تصور کردیم وجود بچه باعث زحمت و مزاحمت است. این اشتباه و خطای بسیار بزرگی است که ضررش هم به خود افراد می‌خورد و هم سایر افراد جامعه تبعات آن را در آینده خواهند دید. کشور ما از این شرایط منتصر خواهد شد.»

بزرگ‌کردن تهدید اینترنت و عمده‌کردن آن، خطر بزرگ‌تر و نزدیک‌تری را برای کشور از طریق توسعه ناراضی‌ت عمومی و افزایش خطر پُر شکاف میان مردم و دولت پدید آورده است.

نکته پنجم اینکه اصل ناراضی‌ت‌ها جای دیگری است و همه ما آن مطالبات را می‌دانیم. وعده‌هایی دادیم که عملی نشده است. نتوانسته‌ایم معیشت ساده مردم نجیب‌مان را درست تأمین و برایشان زندگی توأم با عزت و شرافت فراهم کنیم. منشأ ناراحتی و عصبانیت جوانان هم از اینهاست. بدیهی است مردم بدون اینترنت هم می‌توانند ناراضی‌ت خود را بروز دهند.

نکته آخر اینکه تکنولوژی اینترنت، نیروی اصلی جهت‌دهنده به تکامل و پیشرفت ماست. واقعیت جبر فناوری هم قابل چشم‌پوشی، کتمان و توجیه نیست. در دنیای جدید، تکنولوژی اینترنت در عین حال که یکی از ابزارهای حکمرانی است، دایره گسترده‌ای از بهره‌برداران دارد. من معتقدم در کشور ما بهره‌برداران غیردولتی این تکنولوژی توانسته‌اند بر وضعیت مسئله‌اندود فرهنگ-تکنولوژی (تکنوکالچر)، فائق آیند؛ یعنی اینکه پس از تلاطم اولیه به شناخت لازم از اینترنت رسیده‌اند و با فرهنگ استفاده از آن خو کرده‌اند؛ اما دولت، نسبت به جامعه، دچار تاخر فرهنگی است و اینترنت را محل اهداف و کارکردهای دیگر خود می‌پندارد.

در واقع، فرهنگ استفاده از اینترنت به مثابه ابزار حکمرانی در حوزه‌های نرم را ندارد. این امر خود ناشی از شکست سیاست‌گذاری‌های فرهنگی موقله تکنوکالچر است. البته باید در نظر داشت در سمت مردم شکستی در زمینه این مقوله وجود ندارد. اینجاست که باید به متولیان امر گفت درافتادن با جبر فناوری نه‌تنها نتیجه مطلوبی نخواهد داشت، بلکه باعث فاصله‌گرفتن بیشتر مردم به‌ویژه نسل جوان و نواوه خواهد شد؛ پس راه درست، اصلاح رویکرد است: «آینه چون نقش تو بنمود راست/ خود شین آینه شکستن خطاست.»

♦پژوهشگر حوزه علوم ارتباطات و رسانه

دسامبر، اکان‌های ژورنالیست‌هایی را که موضع انتقادی در قبال او داشتند، تعلیق کرد. ماسک دقیقاً مانند تمام مستبدان به دنبال کسب ثروت -به هر قیمت حتی با بی‌رحمانه‌ترین استثمار- است. او مزایای کارکنان توئیتر را لغو کرد، روزهای کاری کارمندان را افزایش داده و حتی تختخواب‌هایی در دفتر مرکزی توئیتر نصب کرده تا بتواند تا آخرین قطره انرژی کارکنان را نیز به نفع شرکت بیرون بکشد.

و البته مانند یک مستبد خوب شاهد و ناظر مهاجرت مردم از قلمرو خود بوده که برخی داوطلبانه و برخی دیگر به اجبار، «تبعید» را انتخاب کرده‌اند. در واقع به این دلایل است که من احساس کارمندان سابق توئیتر را درک می‌کنم. همچنین به‌خوبی می‌دانم اینکه به خاطر هوا و هوس و تلون مزاج یک دیکتاتور مجبور به ترک جایی شوید که آن را دوست دارید، چه حسی دارد. مردی که مسئول تبعید من و خانواده‌ام بود، عمر البشیر است که در سال ۱۹۸۹ در سودان به قدرت رسید. او هیچ تحملی در قبال مخالفت و مخالفان نداشت و هر کسی را که وفادار چشم‌وگوش بسته نبود، از کشور بیرون راند و باعث فرار گسترده مغزها از کشور شد.

عمر البشیر در ۳۰ سال حکومتش شاهد و ناظر یک جنگ داخلی خونین، چندین و چند درگیری قومی، یک نسل‌کشی، یک قحطی مرگبار و یک فروپاشی اقتصادی بود. او کشور را به زانو درآورد و با شایستگی نفرت اکثریت مردم سودان را به دست آورد و در نهایت هم با یک انقلاب مردمی مسالمت‌آمیز در سال ۲۰۱۹ سرنگون شد. ماسک از این نظر من را یاد عمر البشیر می‌اندازد. به نظر می‌رسد وجه تشابه این غول فناوری با دیکتاتور سودان این است که او نیز مانند عمر البشیر حتی در مواجهه با خشم و اعتراض فراینده مردم نیز حاضر به واگذاری قدرت نیست؛ اما ماسک در مواردی هم شبیه عمر البشیر نیست که در این زمینه می‌توان کسانی را که به رژیم وفادارند، مثال آورد؛ افرادی که حتی زمانی هم که کشتی در حال غرق‌شدن است، حاضرند و او را حمایت کنند.

به نظر می‌رسد ماسک دارد اشتباهات عمر البشیر و دیگر دیکتاتورهای سقوط‌کرده را تکرار می‌کند. ظاهراً او قدرت مردم را دست‌کم گرفته است.